



Structural and geopolitical reasons for the presence of Iran's advisor in the Syrian crisis in order to fight terrorism

Received : 2024/05/14

ISSN 9387-3041

Accepted: 2024/07/21

abstract

Ahmad Bargahi:

Ph.D. student, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Email: Bargahi1365.85@yahoo.com

Hamed Mohaghig Nia:

Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Responsible Author)

Email:hamed.mohagheghnia@proton.me

Jahanbakhsh Moradi:

Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Email:Jahanbakhsh.Moradi@yahoo.com

The purpose of the current research was to explain the structural and geopolitical reasons for the presence of Iran's advisers in the Syrian crisis. The Islamic Republic of Iran, based on the dangerous situation of Syria in connecting the scattered circles of the axis of resistance including Iran, Lebanon's Hezbollah, Hamas and the Palestinian Islamic Jihad, as well as considering the strategic backyard of this country in the vicinity of the borders of the Israeli regime, as its strategic enemy, to the Syrian crisis. entered. This, that is, the entry of an adviser to the Syrian crisis, can not only be considered as part of Iran's identity structure in the region, which considers countries and groups as friends or enemies, but also structurally, the survival of the Assad government in Syria favors the balance of power in the region. Iran and its trans-regional allies Russia and to some extent China, to the detriment of the regional powers of Turkey, Saudi Arabia and the Israeli regime and their western trans-regional allies i.e. America and Europe. Thus, another component of Iran's foreign policy, i.e. anti-arrogance, continues in the structure of the balance of power in the Middle East. Therefore, although Syria has suffered and continues to suffer from many and serious problems in the political and social spheres, the unrest in this country, at least in Iran's view, is not of the Arab Spring popular uprising or Islamic awakening intended by Iran, but rather the complexity and escalation of the crisis in this country. The country is a function of regional strategic and geopolitical competitions and is also affected by international equations. And of course, the geopolitics of this country also had an effect on the occurrence of civil war in it. **Keywords:** Geopolitics, the presence of an adviser, Iran, the Syrian crisis

دلایل ساختاری و ژئوپلیتیک حضور مستشاری ایران در بحران سوریه به منظور مبارزه با تروریسم

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

ISSN 9387-3041

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین دلایل ساختاری و ژئوپلیتیک حضور مستشاری ایران در بحران سوریه بود. جمهوری اسلامی ایران، بر اساس موقعیت خطیر سوریه در اتصال دادن حلقه‌های پراکنده محور مقاومت شامل ایران، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین، تلقی حیاط‌خلوت راهبردی از این کشور در مجاورت مرزهای رژیم اسرائیل، به‌عنوان دشمن راهبردی خود، به بحران سوریه وارد شد. این امر، یعنی ورود مستشاری به بحران سوریه را نه‌تنها می‌توان در زمره سازه هویتی ایران در منطقه دانست که از کشورها و گروه‌ها، تلقی دوست یا دشمن دارد، بلکه به لحاظ ساختاری، بقای دولت اسد در سوریه، موازنه قوا را در منطقه به نفع ایران و متحدان فرا منطقه‌ای آن روسیه و تا حدودی چین و به ضرر قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل و متحدان فرا منطقه‌ای غربی آن‌ها یعنی آمریکا و اروپا، نگاه می‌دارد. بدینسان، مؤلفه دیگر سیاست خارجی ایران، یعنی استکبارستیزی نیز در ساختار موازنه قدرت در خاورمیانه، تداوم می‌یابد. بنابراین، اگرچه سوریه از مشکلات فراوان و جدی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، رنج برده و می‌برد، اما ناآرامی‌های این کشور، حداقل در دید ایران، از جنس خیزش مردمی بهار عربی یا بیداری اسلامی مدنظر ایران نیست، بلکه پیچیدگی و تشدید بحران در این کشور، تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی است. و البته که ژئوپلیتیک این کشور نیز در وقوع جنگ داخلی در آن اثر داشته است.

کلید واژه ها: ژئوپلیتیک، حضور مستشاری، ایران، بحران سوریه

احمد بارگاهی:

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Email: Bargahi1365.85@yahoo.com

حامد محقق نیا:

استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Email: hamed.mohagheghnia@proton.me

جهانبخش مرادی:

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Email: Jahanbakhsh.Moradi@yahoo.com

در دهه‌های اخیر منطقه خاورمیانه به دلائل متعددی درگیر تروریسم و جریان‌های تروریستی بویژه گسترش جریان‌های تندرو دینی شده است بطوری که عمده حوادث تروریستی جهان در کشورهای نظیر سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان و... رخ می‌دهد و به همین دلیل، خاورمیانه موضوع بسیاری از گفتگوهای دو یا چندجانبه بین‌المللی کشورها در خصوص مواجهه با بحران‌های برخاسته از این جریان‌های تروریستی شده است و جمهوری اسلامی ایران نیز به دلائل مختلف ژئوپلیتیکی تحت تأثیر گسترش تروریسم، به ایفای نقش خود در مقابله با این جریان‌ها پرداخته است. در این میان همکاری جمهوری اسلامی با ائتلاف غرب به رهبری امریکا در جنگ با طالبان افغانستان پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ که از سوی جریان القاعده مستقر در افغانستان رهبری شده بود تا کمک به کشورهای منطقه خاورمیانه همچون عراق و سوریه که همزمان با شروع موج بیداری اسلامی و تحولات موسوم به بهار عربی درگیر گسترش فعالیت‌های تروریستی جریان‌های تندرو اسلامی همچون القاعده و دولت اسلامی عراق و شام و دیگر گروه‌های تروریستی شده بودند، نشان از نقش‌آفرینی مؤثر جمهوری اسلامی ایران در مبارزه برای مقابله با رشد جریان‌های تروریستی و مهار آن‌ها در طول دو دهه اخیر در منطقه خاورمیانه داشته است در این میان یکی از نکات مجهول در پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال جریان‌های تروریستی، دسته‌بندی و قالب‌بندی این رویکردهای در قالب یکی از نظریه‌های مطرح سیاسی و ژئوپلیتیکی می‌باشد که با وجود اینکه هر یک دارای بنیان‌های قوی از نظریه‌های سیاسی مهم می‌باشد اما به‌تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی تحلیل و واکاوی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جریان‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه باشد.

در این راستا آنچه که در دسته‌بندی کلی دیدگاه‌های مطرح در این حوزه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد را می‌توان در قالب دو رویکرد مهم ژئوکالچر مبتنی بر مؤلفه‌های سازه‌نگاری و منطق ژئوپلیتیکی مبتنی بر واقع‌گرایی تحلیل و تفسیر کرد. در مورد تحلیل موضوع پژوهش از منظر ژئوکالچر و مؤلفه‌های معطوف به آن همچون نظریه‌های سازه‌نگاری و پرننگ بودن عناصر و متغیرهای فرهنگی، مذهبی، تاریخی و پیوستگی سرزمینی و... جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن اشتراکات فوق با بخش اعظمی از کشورهای خاورمیانه و نفوذ ژئوکالچری خود در برخی از کشورهای درگیر جریان‌های تروریستی، با بهره‌مندی از ظرفیت متحدین منطقه‌ای خود به ایفای نقش فعالانه خود در مبارزه با گسترش تروریسم در منطقه بویژه در عراق پرداخت. در برخی دیگر از کشورهای درگیر خاورمیانه نیز همچون سوریه با نظام حکومتی سکولار که نقش متغیرهای ژئوکالچر به‌مراتب کمتر از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی واقع‌گرایانه‌ای برای ایران بود جمهوری اسلامی در راستای حفظ منافع امنیتی با اتخاذ سیاست‌های رئالیستی به حمایت از نظام سیاسی حاکم بر این کشور برای مقابله با تروریسم پرداخت کما اینکه این سیاست را در خصوص جنگ افغانستان پس از جریان تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

نیز در قالب سیاست همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در راستای مهار تروریسم در این کشور بکار گرفت. پژوهش حاضر با توجه به مؤلفه‌های فوق به دنبال آن است که نقش ژئوپلیتیکی ایران در مهار تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ در منطقه خاورمیانه از چه منطقی تبعیت می‌کند؟ آیا از منطق ژئوپلیتیکی تبعیت می‌کند و متأثر از این رهیافت‌ها بوده؟ یا از منطق ژئوکالچر متأثر بوده و استفاده کرده؟ یا سؤال مهمتر این که چه تئوری‌هایی می‌توان در تحلیل و تبیین ابعاد این پژوهش می‌تواند به کمک ما بیاد؟ که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته می‌شود.

ریشه‌شناسی ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک در قرن بیست زاده شد، با پیچ‌وخم‌های آن در هم آمیخت و در پرتلاطم‌ترین مقاطع آن هویت یافت. با جنبش‌های ملی نیمه نخست سده همراهی کرد، اما نقش الهام‌بخش آن در توسعه‌طلبانه هیتلر آن را بنام بی‌اعتبار کرد که پس از جنگ جهانی دوم، از اندیشه‌ای بین‌المللی رخت برست (دورو، ۱۳۸۱: ۵).

ژئوپلیتیک به منزله ابزاری برای نزدیک کردن سیاست دولت‌ها به یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است. در یک قرن گذشته و در زمانی که جغرافیای سیاسی در عرصه علوم انسانی ظاهر شد، هدف آن تجزیه و تحلیل عینی نبود، برعکس گرایش سیاسی آن به نفع یکی از دولت‌ها بود. در زمان جنگ جهانی دوم و گرایش نازی‌ها به سلطه‌طلبی و سیطره بر اروپا مشروعیت آن از بین رفت (سوتاز، ۱۳۸۶: ۱۰). تا آنکه بار دیگر دانشمندانی علم دوست از دانشگاهیان که دانش را در خدمت انسانی به کار می‌بردند و نه مانند سیاست‌مداران دربند مطامع سلطه‌جویانه و نژادپرستانه خود به کار می‌بردند و بدین‌وسیله بار دیگر ژئوپلیتیک در دانشگاه زاده شد و به جهانیان تنها جهت خدمت انسان و دور از جنگ مورداستفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۰۵ کلین واژه آلمانی «گئوپلیتیک» را که به معنای «علم حکومت در حکم قلمروی در فضا» بود به کار گرفت. نه به این دلیل که کار رودلف کلین به نحو چشمگیری علمی بود، بلکه به این دلیل که اثر او آمیخته به افراط در ناسیونالیسم و داروینیسم بود (مویر، ۱۳۷۹: ۳۶۶).

سیر تحول یک مناطق ژئوپلیتیکی

منطقه به‌عنوان زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که به لحاظ ساختاری و یا کار کردی از تجانس و یگانگی برخوردار می‌باشد و بر پایه‌ی خصیصه‌های ساختاری و یا کار کردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌گردد. منطقه می‌تواند خشکی پایه، آب‌پایه و یا تلفیقی باشد و از مقیاس‌های کوچک نظیر دریاچه یا شبه‌جزیره تا مقیاس‌های بزرگ نظیر اقیانوس و یا قاره را در برگیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۵-۷۱).

مناطق جغرافیایی بر پایه‌یک یا چند خصیصه ساختاری نظیر کالبد فضا، نوع اقلیم، نوع زبان، نوع دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن و یا خصیصه‌های کار کردی نظیر: تولید محصول و یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و غیره تعیین هویت می‌شوند. منطقه یک اصطلاح جغرافیایی است که در صورت برداشتن عناصر و خصیصه‌های آن از حیث سیاسی، تغییر ماهیت داده و به منطقه

ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱). مناطق ژئوپلیتیکی استاتیک نبوده و سرشتی دینامیک و پویا دارند و دینامیسم آن‌ها بر پایه «منطق تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی» از مدل نظری خاصی تبعیت می‌کند. مطابق این مدل، تحول و تکامل هر منطقه ژئوپلیتیکی در چارچوب مراحل پنج‌گانه زیر انجام می‌پذیرد.

مرحله اول: وجود یک منطقه جغرافیایی محض است

که بر پایه یک چند خصیصه یا عنصر ساختاری و کارکردی دارای تجانس و یگانگی می‌باشد. چنین منطقه‌ای به‌مثابه کالبد فضائی و چارچوب جغرافیایی فرآیندهای سیاسی عمل می‌نماید.

مرحله دوم: پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی است.

پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم بردارشدن منطقه از حیث سیاسی است. بدین معنی که عناصر و خصیصه‌های ساختاری و کارکردی منطقه جغرافیائی از نظر بازیگران سیاسی به‌ویژه حکومت‌ها ارزش و اعتبار پیدا می‌کند و نظر آنان را به خود جلب می‌نماید. به سخن دیگر عناصر مزبور در اهداف و منافع و استراتژی بازیگر آن جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌نمایند.

مرحله سوم: شکل‌گیری و توسعه سازه ژئوپلیتیکی است.

در این مرحله بازیگران سیاسی بر پایه تصور خود از ارزش عناصر منطقه و نقشی که در تأمین منافع آن‌ها دارند دست به اقدام و تکاپو می‌زنند تا کارکرد عناصر مزبور را به کنترل درآورده و در راستای اهداف و منافع خود، آن‌ها را شکل داده و مورد بهره‌برداری قرار دهند و دست رقبای خود را از کنترل آن‌ها دور نگه‌دارند آن‌ها سعی می‌کنند نقش عناصر مزبور را در راستای منافع خود مدیریت نموده و یا رقبای خود را از دسترسی و مدیریت آن‌ها دور کنند و یا آن‌ها را علیه رقبای خود به کار ببرند.

در این مرحله و در پرتو فعال شدن بازیگران سیاسی اعم از درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، الگوهای مختلف رفتاری اعم از همگرایی، واگرایی، رقابت، کشمکش، ستیز، همکاری بین بازیگران سیاسی برای کنترل و مدیریت ارزش‌ها و عناصر منطقه به وجود می‌آید که از آن به سازه ژئوپلیتیکی تعبیر می‌شود؛ بنابراین سازه ژئوپلیتیکی از جنس رابطه است که شامل شبکه‌ای از روابط بین بازیگران بوده و در طیفی از همگرایی و واگرایی در نوسان است و نیروهای همگرا و واگرا در منطقه ژئوپلیتیکی دائماً با یکدیگر به رقابت و ستیز مشغول‌اند. مناطق ژئوپلیتیکی جهان ممکن است برای مدت طولانی در این مرحله به سر ببرند (نظیر منطقه خلیج فارس) و تداوم یا پایان این مرحله تا حد زیادی به نقش دیپلماسی بستگی دارد.

مرحله چهارم: در این مرحله، منطقه بر سر دوراهی قرار دارد:

۱- غلبه نیروهای همگرا بر واگرا و توسعه همگرایی در منطقه بین بازیگران ۲- غلبه نیروهای واگرا بر همگرا و توسعه واگرایی در منطقه. البته حالت سومی نیز ممکن است تصور شود و آن موازنه بین نیروهای همگرا و واگراست که این وضعیت در واقع همان تداوم مرحله سوم یا سازه ژئوپلیتیکی است که به تقسیم نیروها و شکاف منطقه‌ای و کاهش کارکردها و اثربخشی پتانسیل‌های ذاتی منطقه‌ای کمک می‌نماید.

در مرحله چهارم، نقش‌آفرینی دیپلماسی بسیار اهمیت دارد. چنانچه در پرتو دیپلماسی

مثبت، نیروهای همگرا در منطقه غالب شوند و منطقه به‌سوی همگرایی حرکت کند نوعی ادراک منفعت جمعی بین بازیگران پدید می‌آید و بازیگران به این نتیجه و خرد جمعی می‌رسند که دستیابی به اهداف و منافع آن‌ها در پرتو همکاری، تعاون و ثبات و آرامش منطقه‌ای امکان‌پذیر است؛ بنابراین منطقه به‌سوی ثبات، آرامش، همگرایی و توسعه و فعال شدن کارکردها و پتانسیل‌های ذاتی آن حرکت می‌کند و منطقه به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی نائل می‌آید و زمینه را برای رسمی کردن همکاری منطقه‌ای فراهم می‌کند. برعکس چنانچه در پرتو دیپلماسی منفی، نیروهای واگرا بر نیروهای همگرا در منطقه غلبه کنند، واگرایی توسعه می‌یابد و به بی‌ثباتی و هرج‌ومرج منطقه‌ای منجر می‌شود و منطقه را به‌سوی ستیز و جنگ بین بازیگران هدایت می‌کند.

مرحله پنجم: این مرحله، محصول وضعیت دوگانه مرحله چهارم هست:

یعنی چنانچه نیروهای واگرا چیره شوند و منطقه به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی برسد و زمینه برای رسمیت پیدا کردن همکاری و تعاون منطقه‌ای فراهم شود، سازمان منطقه‌ای تشکیل می‌گردد. سازمان منطقه‌ای که در پرتو دیپلماسی فعال و مثبت همگرا ساز پدید می‌آید، در واقع چارچوب نهادی و حقوقی رسمی است که الگوهای همکاری بین بازیگران را در یک یا چند بعد و بر پایه یک یا چند عنصر ساختاری و یا کارکردی تعریف می‌نماید. تعداد زیادی از مناطق ژئوپلیتیکی جهان به این مرحله رسیده و سازمان منطقه‌ای در آن‌ها تشکیل شده است. نظیر: اروپا، آمریکای شمالی، جنوب شرق آسیا، اقیانوس کبیر و غیره. پایداری، استحکام و توسعه کارکردها و فعالیت‌های سازمان منطقه‌ای و سپس یکپارچگی کارکردی آن‌ها (نظیر اتحادیه اروپا)، مستلزم پایداری و تداوم نقش دیپلماسی مثبت و پایداری ادراک منفعت جمعی در بین بازیگران سیاسی است.

در نقطه مقابل چنانچه نیروهای واگرا بر همگرا در منطقه چیره شوند، منطقه به‌سوی تشدید بحران و یا برگشت به مرحله سوم حرکت خواهد نمود. نظیر منطقه خلیج فارس، جنوب آسیا، قفقاز، شرق مدیترانه و جنوب غرب آسیا. سیاست خارجی و ژئوپلیتیک

برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به‌طور مشخص بر اساس امتیازهای محیط جغرافیای این کشورها تعیین می‌شود و بهره بردن از این برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی‌های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین‌الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین‌المللی است. موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولید کننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی می‌تواند سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (احمد پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۳).

ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، می‌باشد. از این جهت ژئوپلیتیک به‌عنوان یک

عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص سازد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵)

در تلقی بین‌المللی، از قدرت به‌عنوان موتور محرکه نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولت‌ها برای کسب منافع و رفع تهدیدهای یاد می‌شود. مهمترین خصیصه قدرت، پویایی است؛ این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل، پیوسته تغییر پیدا کند. درک ژئوپلیتیکی نسبت به نظام بین‌الملل به‌عنوان شاکله‌ی برآمده از قدرت و تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بینشی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌ها است. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازبگرن و چهارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت بر ایند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیکی جهانی و روابط قدرت بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵).

اهمیت جایگاه ژئوپلیتیک سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

بحران سوریه با پیچیدگی‌هایی که دارد، اثرگذاری‌هایی را بر سیاست خارجی ایران در برداشته است. با توجه به دخالت کشورهای منطقه و فرمانتقه‌های و قدرت‌گیری گروه‌های رادیکال در سوریه، آینده سوریه حکایت از آن دارد که در صورت ادامه بحران، تحمیل الزامات اساسی را بر سیاست خارجی ایران در بر خواهد داشت. معمای امنیتی ایران در سوریه و ادامه بحران در آن کشور به‌ویژه در صورت تغییر قدرت حاکم، چالش‌هایی را در قالب قطع پل ارتباطی ایران با حزب الله، کاهش و یا قطع قدرت نفوذ ایران در آن منطقه، آسودگی خاطر رژیم صهیونیستی، گسترش گروه‌های رادیکال مخالف با ایران و... را به دنبال خواهد داشت. در چنین فضایی انتخاب رویکردی قابل اعتنا در جهت افزایش امنیت و نقش منطقه‌ای ضرورتی اساسی است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی سوریه و حوزه نفوذ ایران، از بین دو رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی، واقع‌گرایی تدافعی از قابلیت بیشتری در تحلیل سیاست خارجی ایران در طی بحران سوریه برخوردار باشد. (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۸).

به‌طور کلی، اهمیت ژئوپلیتیک سوریه ناشی از این عوامل است:

۱- دارای جایگاه مرکزی در حوزه‌های ژئوپلیتیک آسیای صغیر و دریای مدیترانه، شبه‌جزیره عربستان و به‌طور کلی، خاورمیانه؛

۲- پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب - اسرائیل

۳- حلقه وصل اعضای محور مقاومت شامل ایران، عراق، حزب الله لبنان و حماس. فلسطین

بعد دیگر بحران سوریه که مهمترین بعد آن است به دخالت‌های منطقه‌ای و خارجی مربوط می‌شود. در واقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد «مقاومت» و «محافظه‌کار عربی» در منطقه خاورمیانه است. توضیح آنکه، پیش از انقلاب‌های عربی و به راه افتادن موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، نظام منطقه‌ای حول دو محور مشخص یعنی «محور اعتدال یا محافظه‌کار» و «محور مقاومت یا پایداری» شکل گرفته بود. محور اعتدال شامل کشورهای مصر، عربستان سعودی، اردن، تونس، مراکش، جریان ۱۴ مارس لبنان به رهبری سعد حریری، تشکیلات خودگردان فلسطین و چند کشور دیگر خلیج‌فارس بودند (میرزائی و امیری، ۱۳۹۷: ۱۱۷)

سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد.

به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع تحولات سوریه را دنبال کرده است؛ به عبارت دیگر، ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) برسدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بی‌افزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود. (برزگر، ۱۳۹۰: ۱)

طی سی سال گذشته روابط ایران و سوریه رو به رشد بوده و این یک انتخاب نبوده بلکه یک ضرورت بوده است متأثر از تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای، دشمنان و دوستان مشترک، نیازهای داخلی دو کشور است. دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی این روابط در قالب دشمن مشترک یعنی عراق بعثی تعریف می‌شد اما با روی کار آمدن آقای خاتمی همزمان با بشار اسد و نگاه جدید دو طرف به مسائل، چارچوب روابط، مناسبات اقتصادی را در برگرفت به نحوی که انزوای هر دو کشور تا حدی تعدیل شود قابل ذکر است که گسترش روابط طرفین در سطح اقتصادی به دلیل موانعی چون فقدان مرز مشترک و توسل به کشور ثالث برای مبادلات، فاکتورهای متوسط اقتصادی در این دو کشور بویژه در سوریه، بوروکراسی شدید تحلیل برنده زمان و اهداف و تحریم‌های بین‌المللی متغیر می‌باشد اگرچه در این سطح نیز منافع برای دو طرف دارد بویژه اینکه ایران را به بازار اقتصادی اعراب متصل می‌کند و با استفاده از جغرافیای این کشور انرژی ایران به مدیترانه خواهد رسید و مهم‌تر از همه ایران منطقه حضوری را در گلوگاه ارتباطی و سیاسی جهان می‌یابد. دشمنی و مخالفت با آمریکا، بدبینی نسبت به جریان سازش، حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، توجه به اسلام در میان ملت و حکومت، مخالفت با اسرائیل از فصول مشترک دو کشور در پیوند با یکدیگر می‌باشد در بحث تحولات اخیر در سوریه ایران حامی حقوق ملت سوریه است و لذا با تلاش‌هایی که در راستای ناامنی و گسترش برادرکشی و تحریک عواطف مذهبی مردم باشد و موجبات حضور عوامل خارجی را در عرصه سیاسی این کشور فراهم سازد مخالف است لذا ایران مصر است که مسائل داخلی این کشور با حفظ حقوق ملت طی گفتگو حل شود و در این راه هم حمایت‌هایی را ابراز نموده است. (عالیشاه، ۱۳۹۵: ۱)

کشور سوریه دارای مساحتی برابر با ۱۸۵۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۲ میلیون نفر در غرب آسیا واقع شده است که از شمال با ترکیه، از شرق با عراق و از جنوب به اردن هاشمی و فلسطین و از غرب به لبنان و دریای مدیترانه محدود می‌شود. ۸۸ درصد مردم این کشور عرب و مابقی را مسیحی‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

سوریه تا سال ۲۰۱۱، کشور آرامی بود که از سال ۱۹۷۳ به این سو، در هیچ جنگی وارد نشده و با بحران داخلی نیز، به‌ظاهر روبه‌رو نبود؛ اما تحولات بهار عربی که ایران آن را، البته نه در مورد سوریه، بیداری اسلامی می‌خواند، به این کشور نیز سرایت کرد. در سوریه ابتدا در حمص، اعتراضات مردمی آغاز شد و سپس «انقلابیون

سوری به سرعت، دست به اسلحه بردند و این امر زمینه حمله ارتش سوریه به آن‌ها را فراهم ساخت. (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۱).

در مقابل، انقلابیون از کشورهای دیگر درخواست کمک کردند و کشورهای همچون عربستان، قطر، ترکیه و اسرائیل که فرصت را برای برکناری اسد و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، غنیمت می‌شمردند، به یاری آنان شتافتند تا اینکه ارتش آزاد سوریه را پدید آوردند. (سهیلی نجف‌آبادی و کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۷: ۴۰). بدین لحاظ بی‌دلیل نبود که ایران نیز به درون این بحران کشیده شد.

دلایل ساختاری و ژئوپلیتیک حضور مستشاری ایران در بحران سوریه از دیدگاه ساختاری، آنچه موجب شد تا کشورهای خاورمیانه عربی، به‌ویژه عربستان، بخواهند تا از بحران سوریه استفاده کرده و جلوی نفوذ ایران و احساس تهدید امنیت خود را که ناشی از آن است را بگیرند، در سه دیدگاه قابل بررسی است که در اینجا فقط نام برده می‌شوند:

- ۱- تهدید ناشی از سلطه‌طلبی باستان گرایانه ایران
- ۲- تهدید ناشی از تلقی ایجاد هلال شیعی توسط ایران
- ۳- تهدید ناشی از سرایت یا صدور انقلاب اسلامی که به محور مقاومت شکل داده است. (نوروزی امیری، ۱۳۹۴: ۹۳)

در برابر، از همین منظر ساختاری، جمهوری اسلامی ایران، بر اساس موقعیت خطیر سوریه در اتصال دادن حلقه‌های پراکنده محور مقاومت شامل ایران، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین، تلقی حیاط‌خلوت راهبردی از این کشور در مجاورت مرزهای رژیم اسرائیل، به‌عنوان دشمن راهبردی خود، به بحران سوریه وارد شد. (اختیاری امیری و دوست محمدی، ۱۳۹۶: ۴۴).

این امر، یعنی ورود مستشاری به بحران سوریه را نه‌تنها می‌توان در زمره سازه هویتی ایران در منطقه دانست که از کشورها و گروه‌ها، تلقی دوست یا دشمن دارد، بلکه به لحاظ ساختاری، بقای دولت اسد در سوریه، موازنه قوا را در منطقه به نفع ایران و متحدان فرا منطقه‌ای آن روسیه و تا حدودی چین و به ضرر قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل و متحدان فرا منطقه‌ای غربی آن‌ها یعنی آمریکا و اروپا، نگاه می‌دارد. بدینسان، مؤلفه دیگر سیاست خارجی ایران، یعنی استکبارستیزی نیز در ساختار موازنه قدرت در خاورمیانه، تداوم می‌یابد. در بحران سوریه، می‌توان به لحاظ ساختاری، قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به دو دسته اصلی تقسیم کرد. یکی قدرت‌های دارای موضع تثبیت رژیم سوریه یا حفظ وضع موجود که ایران، روسیه و چین در این گروه قرار می‌گیرند و دو کشور نخست این گروه وارد مخاصمه شدند. در برابر قدرت‌های دارای موضع تجدیدنظرطلب آمریکا، ترکیه، عربستان، اتحادیه اروپا و رژیم اسرائیل که دو مورد آخر، مستقیماً وارد مخاصمه نشدند. به این ترتیب، «به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، جنگ داخلی سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه، عرصه و منبعی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. سوریه همچنان قربانی می‌شود، نه‌تنها در جنگی خشن با ارتش دولتی، بلکه با بازیگران خارجی؛ بنابراین، اگرچه سوریه از مشکلات فراوان و جدی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، رنج برده و

می‌برد، اما ناآرامی‌های این کشور، حداقل در دید ایران، از جنس خیزش مردمی بهار عربی یا بیداری اسلامی مدنظر ایران نیست، بلکه پیچیدگی و تشدید بحران در این کشور، تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی است.» (مسعود نیا، ابراهیمی و درج، ۱۳۳: ۱۳۹۷-۱۳۳۲) و البته که ژئوپلیتیک این کشور نیز در وقوع جنگ داخلی در آن اثر داشته است.

رویکرد ژئوپلیتیکی ایران برای حضور مستشاری در سوریه برای مبارزه با تروریسم

چگونگی حضور مستشاری ایران در بحران سوریه نیروهای ایرانی که به صورت مستشاری به سوریه رفتند، به عنوان کلی «مدافعین حرم» شناخته شدند، چرا که اعلام کردند برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) در دمشق که در برابر مظلومیت شهدای کربلا، یزید را دربار خود رسوا کرده بود، به سوریه رفته اند تا تکفیری‌ها را نه تنها رسوا کنند که یاری‌رسان ارتش سوریه باشند تا آن‌ها را در حریم یکی از اماکن مقدس شیعیان که جنبه نمادین بزرگی در ایستادگی در برابر طاغوت دارد، نابود کنند (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۵).

در راستای دفاع از حرم، نقش حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه در چهار سطح قابل درک است که عبارتند از:

سطوح راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و فنی. هر یک از این سطوح به کوتاهی بررسی می‌شوند. در سطح نخست که راهبردی می‌باشد، ایران حمایت سیاسی و معنوی خود را از دولت سوریه اعلام کرد و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی آن به عنوان مستشار نظامی به فرماندهان ارتش سوریه تجربیات خود را در دفاع مقدس، انتقال دادند. از جمله اینکه برای تقویت ارتش سوریه، بسیج مردمی را به ساختار سازمانی و عملیاتی آن اضافه کردند.

در سطح دوم که «عملیاتی» است، فرماندهان ایرانی، به فرماندهان ارتش سوریه برای طراحی و چگونگی انجام عملیات علیه معارضین، یاری رسانده‌اند، همچنین در این سطح به فرماندهان عملیاتی سوری، آموزش‌های لازم توسط نیروی مستشاری ایران داده می‌شد.

در سطح سوم که «تاکتیکی» است، مستشاران ایرانی به‌طور فیزیکی در میدان حضور یافته و فرماندهان ارتش سوریه در میدان نبرد را راهنمایی می‌کردند.

در سطح چهارم که «فنی» است، نیروهای مستشاری ایران، حضور بسیار وسیع‌تری داشتند، به آماده‌سازی، تعمیر تجهیزات، آموزش برای نگهداری و تعمیرات، امداد و نجات پرداخته‌اند (نظامی پور، شادمانی و اخوان، ۱۵: ۱۳۹۵-۱۴).

در سطح عملیاتی، نکته‌ای که باید به آن اشاره شود و دارای اهمیت بسیار زیادی است، کمک اطلاعاتی است که ایران به نیروهای دولتی سوریه داده است، چرا که جمهوری اسلامی ایران به فناوری ساخت پهباد دست یافته است و بنابراین از این طریق، به وسیله مستشاران ایرانی که هدایت پهبادها را به عهده دارند، صحنه نبرد سوریه را به‌ویژه به صورت اطلاعاتی زیر سیطره خود قرار داده است. به علاوه از منظر تجهیزات مخابراتی برای استراق سمع و فناوری اطلاعاتی نیز مستشاران ایرانی، خدمات اطلاعاتی فراوانی را در این سطح به ارتش سوریه ارائه کرده‌اند. در کنار این،

بسیار از تسلیحاتی که در نبرد علیه جریان تروریستی داغش و دیگر گروه‌های تروریستی به کار گرفته شد.

نکته اساسی در سناریو سازی تحولات سوریه، در قالب افزایش بحران و جولان گروه‌های تروریستی، در راستای ضربه زدن به حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در این حوزه و در نتیجه تضعیف جایگاه ایران در منطقه بود در این راستا آنچه جمهوری اسلامی ایران بر اساس منطق ژئوپلیتیکی خود در سوریه در قالب ارسال مستشاران نظامی، اهدای شهدا برای دفاع از حرم و هزینه هنگفت اقتصادی برای جنگ داخلی سوریه و حمایت از دولت بشار اسد، انجام داد، به گفته مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کارشناسان، برای امنیت ملی ایران بسیار دارای اهمیت بوده است. چرا که به نظر می‌رسید پس از سقوط دولت سوریه، نوبت به جمهوری اسلامی ایران برسد که توسط غرب، به‌ویژه آمریکا که سال‌هاست دشمن ایران است و دولت ترامپ نیز آن را به شدیدترین شکل علنی کرد بود، در واقع، از دست دادن متحدی راهبردی همچون سوریه برای ایران، می‌شد که ایران از منظر ساختاری و نیز از منظر امنیت ملی، به منزوی شدن، نزدیک شود.» منزوی شدن جمهوری اسلامی ایران، نه تنها منافع ملی، بلکه امنیت ملی ایران را نیز با درجه بسیار زیادی به خطر می‌اندازد و ایران تلاش می‌کند با حفظ نظام اسد، جلوی جلوگیری از تداوم نفوذ خود در منطقه غرب خاورمیانه را سد کند و اجازه ندهد این پل راهبردی ارتباطی تضعیف شود، چه برسد به آنکه از بین برود. (سهیلی نجف‌آبادی و کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۷:۴۲) تا موازنه تهدید به ضرر ایران شکل بگیرد. به لحاظ امنیت ملی، اهداف ایران اتخاذ رویکرد حفظ وضع موجود در منازعه سوریه، به این شرح بوده است:

- جلوگیری از تضعیف قدرت محور مقاومت

- جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود که ربط مستقیم با مورد نخست دارد

- جلوگیری از تغییر موازنه قوا به نفع کشورهای مانند ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل

- جلوگیری از نفوذ بیشتر آمریکا در خاورمیانه؛ جلوگیری از تضعیف امنیت نظامی خود با از دست رفتن عمق راهبردی در منطقه شامات، (نظامی پور، شادمانی و اخوان، ۱۳۹۵:۱۲-۱۱)

- ایجاد زمینه برای گسترش نفوذ روسیه به‌عنوان یک متحد در خاورمیانه.

با توجه به مؤلفه‌ها و فاکتورهای فوق می‌توان درک کرد که در مجموع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، حاضر است برای حفظ یک متحد راهبردی همچون سوریه، هزینه‌های بسیار پرداخت نماید و از این‌رو برای مقابله با جریان تروریستی داعش در سوریه به این کشور نیروی نظامی فرستاد و تلاش‌های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داد تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ بماند. ضمن اینکه ایران به‌طور مدام در این بحران از سوریه حمایت مالی و لجستیکی کرده و در کنار آن، از حزب‌الله لبنان نیز خواست که در کنار حکومت بشار اسد، ایستادگی کند. (سهیلی نجف‌آبادی و کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۷:۴۳)

رویکرد ایران در سوریه از منظر رئالیسم تدافعی

از دیدگاه ایران، ناامنی در منطقه به معنای ناامنی برای ایران و برعکس، ناامنی برای ایران به معنای ناامنی برای منطقه تفسیر می‌شود (برزگر، ۱۳۸۸:۱۳۵). ایران همواره از

دو طریق برای افزایش امنیت ملی خود تلاش می‌کند: (۱۵ - ۱۲: ۲۰۰۴ Rittberger) اول، سعی می‌کند تا آزادی عمل یا استقلال خود را حفظ و احتمالاً افزایش دهد؛ دوم، تلاش می‌کند تا امنیت خود را از طریق ایجاد و افزایش نفوذ خود بر کشورهای دیگر حفظ و افزایش دهد (فیروزآبادی، ۱۴: ۱۳۹۰) بدون شک، بحران سوریه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آن، یکی از مواردی است که ارتباط فراوانی با امنیت ملی ایران دارد. به‌منظور پیشگیری از تهدیدات احتمالی در آینده، ایران به دنبال افزایش نقش و حضور گسترده در نظام سیاسی - امنیتی و فعالیت‌های اقتصادی در سوریه می‌باشد.

با دستیابی به نقش فعال‌تر از سابق در سوریه و بهره‌گیری از گروه‌ها و احزاب همسو همچون حزب‌الله در جهت مطالبات مشترک و منطقه‌ای، ایران می‌تواند در رسیدن به اهداف سیاست خارجی و منافع ملی گام بردارد در نتیجه می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که همه راهبردهای ژئوپلیتیکی ایران در سوریه برای افزایش امنیت ملی ایران صورت گرفته بود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بر اساس رئالیسم تدافعی بیانگر این گزاره بودند که سوریه به لحاظ ژئوپلیتیکی، سرزمینی، اقتصادی تعریف خاصی در منافع ملی و سیاست خارجی ایران دارد. مروری کوتاه بر روابط ایران و سوریه از سال ۱۹۷۹ تا شروع بحران سوریه نشان می‌دهد که دو کشور طی چند سال گذشته به دلیل وجود تهدیدات مشترکی از جمله، رژیم صهیونیستی، صدام، آمریکا، عربستان، حمایت از نیروهای حزب‌الله و جنبش آزادی بخش فلسطین کماکان در صدد تقویت اتحاد بین خود بوده‌اند. در این مدت ائتلاف ایران و سوریه منجر به رفع تهدیدهای اسرائیل و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در سطح منطقه برای تأمین منافع راهبردی‌اش شده است. با شروع بحران ۲۰۱۱ در سوریه، نیاز به همکاری و گسترش روابط بین دو کشور بیشتر از گذشته احساس شد. لذا ایران علیرغم فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی با توجه به ملاحظات امنیتی و منافع ملی کشور و همچنین ایفای نقش قدرت خود در سطح منطقه، به بازنگر کلیدی در مسائل سوریه تبدیل شد و نقش مهمتری در رابطه با بحران سوریه بازی نمود. ایران به منظور حفظ موقعیت استراتژیک خود در سوریه از عدم تغییر وضع موجود حمایت می‌کند. ایران با تمام توان خود سعی نموده که مانع از سقوط اسد شود، چون سرنگونی اسد علاوه بر ایجاد مشکلات امنیتی برای ایران، باعث کاهش نمایش قدرت و منزوی شدن ایران و قطع رابطه با نیروهای حزب‌الله در منطقه خواهد شد و ایران کانال استراتژیک خود را در آن منطقه از دست خواهد داد لذا، می‌توان گفت مجموعه هزینه‌هایی را که ایران بر اساس اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی خود در طی بحران سوریه پرداخته است، ضمن انطباق با آرمان‌های آن، تقویت‌کننده اهداف استراتژیک ایران به شمار می‌آید.

- 1- ترابی، قاسم، محمدیان، علی. (۱۳۹۴). تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی. فصلنامه علمی تخصصی سیاست پژوهی جهان اسلام، ۳(۳)، ۶۱-۹۰.
 - 2- ابراهیم نیا، حسین (۱۳۹۷)، آیا پایانی بر گروه‌های تندرو و ظاهرگرای اسلامی هست مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۲۱ آذر-۱۱۱۹.
 - 3- احمدی‌پور، زهرا، جنیدی، رضا، آقا گل‌زاده، فردوس، (۱۳۹۵)، مفهوم‌سازی گفتمان ژئوپلیتیکی تروریسم؛ تصویرسازی ژئوپلیتیکی دولت بوش از خاورمیانه، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۲(۴۳)، ص ۲۸-۵۳.
 - 4- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۷)، تغییرات ژئوپلیتیک در عراق و تحول در راهبرد سیاست خارجی ایران، سیاست کاربردی، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۹.
 - 5- اسلامی مجد، محمد، درخشه، جلال، بیگی، علیرضا، (۱۳۹۸)، تأثیر اتحاد علیه تروریسم بر منابع مادی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه از منظر واقع‌گرایی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۹(۳۰)، ص ۱۹۹-۲۱۵.
 - 6- اعظمی، هادی، (۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غربی آسیا)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
 - 7- افتخاری، اصغر، شبستانی، علی، (۱۳۹۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، فصلنامه آفاق امنیت، ۴(۱۲).
 - 8- امیری اختیاری، رضا و حسین دوست‌محمدی، (۱۳۹۶)، «نقش قدرت‌های تأثیرگذار در بحران سوریه و تحلیل ژانوسی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۱، تابستان، صص ۴۹-۴۱.
 - 9- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱ «جایگاه تروریسم جدید در مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۴ و ۱، بهار و زمستان.
 - 10- برزگر، کیهان، (۱۳۹۳)، «تحولات اخیر عراق و امنیت ملی ایران»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۳ شهریور.
 - 11- بندک و ولفگانگ و مانگوپولوس، آلیس (۱۳۸۹)، تروریسم و حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر ساعد، تهران، دادگستر
- بیانات مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir
- 12- ترابی، یوسف، (۱۳۸۸)، «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی». فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
 - 13- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۸)، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا». فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
 - 14- حاجیانی، ابراهیم، ضمیری عبدالحسین (۱۳۸۹)، پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک

- 15- حافظنیا، محمدرضا و قالیباف، محمداقبر، (۱۳۸۰)، «راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۱).
- 16- حافظی، پریسا، تولای کارا دنیز، (۲۰۱۴)، «ایران می‌گوید مقابله با تروریسم یک اولویت است»، رویترز، ۹ ژوئن.
- 17- حسینی صیاد نورد، مجید، مایلی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، تحویل نظریه سازه‌نگاری از روابط بین‌الملل به مباحث علوم سیاسی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۲)، ۱۶۰-۱۳۱.
- 18- حسینی نصرآبادی، نرجس سادات. (۱۳۹۹). تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۰(۳۵)، ۱۶۱.
- 19- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۹۰). «هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱.
- 20- حیدری فر، محمد رئوف، حسینی، سید امین، (۱۳۹۷). نقش عوامل ژئوپلیتیک و تروریسم در روابط ایران و پاکستان. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان جنوبی، ۱۳۹۷(۲۶)، ۱۸-۴۰.
- 21- خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی، اصغری ثانی، حسین، (۱۳۹۱). مدلسازی ژنومهای ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱(۳)، ۱۷-۴۴.
- 22- رستمی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، جریان‌ات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آن‌ها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۱).
- 23- روحی دهبینه، مجید، (۱۳۹۶)، خاورمیانه پس از تحولات ۱۱۲۲ میلادی، بحران دولت ملی و نظم منطقه‌ای، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۲۱، زمستان، صفحات ۲۰۱ - ۱۲